



University of Science and Quranic Knowledge
Shahran Faculty of Quranic Sciences

A Comparative Evaluation of the Narrative Types Attributed to Ibn 'Abbās Regarding the Virtues of the Ahl al-Bayt (PBUH) (With an Emphasis on the Exegetical Narrations from Both Sunni and Shi'i Traditions)

Nosrat Nilsaz¹ , Elham Zarrin-Kolah² 

1. Associate Professor, Department of Qur'anic and Hadith Sciences, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.
nilsaz@modares.ac.ir

2. Assistant Professor, Department of Qur'anic and Hadith Sciences, Eghlid Higher Education Center, Eghlid, Iran
(Corresponding Author). ezarinkolah@eghclid.ac.ir

Research Article



Detailed Abstract

Research Objective: The objective of this study is to establish the position of the Ahl al-Bayt (peace be upon them), especially Imam 'Alī (peace be upon him), within the exegetical narrations transmitted from Ibn 'Abbās. The significance of this topic stems from the fact that numerous narrations in various fields of Qur'anic exegesis have been attributed to Ibn 'Abbās in both Sunni and Shi'i sources. According to Islamic tradition, Ibn 'Abbās is regarded as the foremost exegete after 'Alī ibn Abī Ṭālib. Therefore, the perspective of Ibn 'Abbās—renowned as one of the most eminent Qur'anic exegetes and a translator of the Qur'an—toward the Ahl al-Bayt (PBUH) holds particular importance.

Research Methodology: This research adopts descriptive and library methods accompanied by data analysis. The statistical corpus includes classical, medieval, and later narrative Qur'anic exegetes from both Sunni and Shi'i traditions, selected based on the frequency and importance of their reported exegetical narrations. Narrations attributed to Ibn 'Abbās regarding the virtues of the Ahl al-Bayt were extracted and comparatively evaluated within the context of the relevant verses in these Qur'anic exegetes. A typological categorization of these narrations was then conducted. Additionally, the study examines possible textual variations or transformations between the Sunni and Shi'i versions of the narrations.

Findings: The findings indicate a divergence in how Sunni and Shi'i Qur'anic exegetes transmit narrations on the virtues attributed to Ibn 'Abbās. Among Shi'i exegetes, figures such as Furāt al-Kūfī, al-Ḥuwayzī, and al-Baḥrānī actively report narrations supporting the Ahl al-Bayt and affirming their divine guardianship.

Received: 2023/11/20 ; Received in revised from: 2024/03/29 ; Accepted: 2024/04/08 ; Published online: 2025/03/15

◆ How to cite: Nilsaz, Nosrat, Zarrinkolah, Elham (1403SH): "A Comparative Evaluation of the Narrative Types Attributed to Ibn 'Abbās Regarding the Virtues of the Ahl al-Bayt (PBUH) (With an Emphasis on the Exegetical Narrations from Both Sunni and Shi'i Traditions)", *Journals Comparative Interpretation Studies*, 9(18), P62-83, [10.22034/esq.2024.426092.1363](https://doi.org/10.22034/esq.2024.426092.1363)

©2025/ Authors retain the copyright and full publishing rights. Published by: Department of Qur'anic Exegesis and Sciences



[Wilāyah]. In contrast, other exegetes such as Shaykh al-Ṭūsī and al-Ṭabrisī generally refrain from highlighting these virtues, not due to skepticism about Ibn ‘Abbās himself, but due to their broader conciliatory approach aimed at promoting inter-sectarian unity and avoiding discord. Among early Shi‘i Qur’anic exegetes, the number of narrations in al-Tafsīr ‘Ayyāshī is limited, possibly because he prioritized jurisprudential issues and ruling verses [Āyāt al-aḥkām] over the reporting of virtues.

Among Sunni Qur’anic exegetes, one group avoids reporting such narrations altogether, while another shows greater fairness and includes more of them. Tafsīr works like those of Muqātil ibn Sulaymān, ‘Abd al-Razzāq al-Ṣan‘ānī, and al-Ṭabarī’s Jāmi‘ al-Bayān fall into the former category. Meanwhile, Tafsīr al-Kashf and Tafsīr al-Bayān by al-Tha‘labī belong to the latter, indicating that his approach was more neutral and focused on transmitting exegetical narrations regardless of verifying their authenticity or theological implications.

Conclusion: This study concludes that the largest number of narrations concerning the virtues of the Ahl al-Bayt attributed to Ibn ‘Abbās in Sunni narrative exegetical works appear in al-Durr al-Manthūr and the Shi‘i Tafsīr of Furāt al-Kūfī. Notably, the chain of transmission in all these narrations generally follows the route: al-Kalbī from Abū Ṣāliḥ from Ibn ‘Abbās. Undoubtedly, the quantity of such narrations in various Qur’anic exegeses is influenced by the theological orientation and exegetical tendencies of the Qur’anic exegetes. For instance, al-‘Ayyāshī focused on jurisprudential narrations, al-Ṭabarī’s omission was rooted in doctrinal bias, and Shaykh al-Ṭūsī and al-Ṭabrisī limited their inclusion of such narrations due to their ecumenical outlook. On the other hand, the Qur’anic exegeses like those of Furāt al-Kūfī (due to theological motives), and of al-Tha‘labī and al-Suyūṭī (due to their more impartial reporting), offer a broader representation of these narrations.

Ultimately, while the number of narrations attributed to Ibn ‘Abbās concerning the virtues of the Ahl al-Bayt varies across Qur’anic exegeses depending on the exegetical approach, the absence or limitation of such narrations does not negate their existence, nor does it undermine Ibn ‘Abbās’s established position. Beyond mere statistics, Ibn ‘Abbās—recognized as one of the most prominent exegetes among the Companions and the interpreter of the Qur’an—clearly understood and conveyed that the Ahl al-Bayt (PBUH) were the referents, intended meaning, and true interpretation of numerous Qur’anic verses.

Keywords: Ibn Abbas, narrations of the virtues, Ahl al-Bayt (peace be upon them), reasons for revelation, interpretations of both groups.

ارزیابی تطبیقی گونه‌های روایی منقول از ابن عباس در باب فضائل اهل بیت (ع) (با تأکید بر تفاسیر روایی فریقین)

نصرت نیل‌ساز^۱ ID، الهام زرین‌کلاه^۲ ID

۱. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. nilsaz@modares.ac.ir

۲. استایار گروه علوم قرآن و حدیث، مرکز آموزش عالی اقلید، اقلید، ایران (نویسنده مسؤول). ezarinkolah@eghliid.ac.ir

چکیده

از مهم‌ترین موارد مشهود در روایات تفسیری ابن عباس - به‌عنوان یکی از مفسران مشهور صدر اسلام - ذکر فضائل اهل بیت (ع) به‌ویژه حضرت علی (ع) است. پژوهش حاضر که با رویکرد تطبیقی و روش توصیفی - تحلیلی و کتابخانه‌ای انجام‌گرفته با مینا قراردادن اثبات جایگاه اهل بیت (ع) در بستر گفتار ابن عباس، به دنبال استخراج روایات وی در این باره و گونه‌شناسی تطبیقی آن در منابع تفسیری فریقین بوده و به این نتیجه دست‌یافته است که غالب روایات فضائل منقول از وی در گونه‌های اسباب نزول، تأویل، تبیین مراد و ذکر صفات نمود می‌یابند. این روایات در اغلب منابع از طریق کلیبی از ابی‌صالح از ابن عباس نقل شده است. فرات کوفی در شیعه و سیوطی در اهل سنت، بیش‌ترین روایت فضائل منقول از ابن عباس را آورده‌اند؛ اما برخی مفسران دیگر همچون طبری، شیخ طوسی و طبرسی علی‌رغم نقل میزان قابل توجهی از روایات وی در تفاسیر خود، تعداد بسیار محدودی را به ذکر فضائل اختصاص داده‌اند. روشن است که این امر بی‌تأثیر از نوع نگرش مفسر و گرایش‌های تفسیری وی نیست.

کلیدواژه‌ها: ابن عباس، روایات فضائل، اهل بیت (ع)، اسباب نزول، تفاسیر فریقین.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۲۹ | تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۱/۱۰ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۱/۲۰ | تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۱۲/۲۵

◆ استناد به این مقاله: نیل‌ساز، نصرت، زرین‌کلاه، الهام (۱۴۰۳): «ارزیابی تطبیقی گونه‌های روایی منقول از ابن عباس در باب فضائل اهل بیت (ع) (با تأکید بر تفاسیر روایی فریقین)»، *دوفصلنامه علمی مطالعات تفسیری*، ۹(۱۸)، ۶۲-۸۳.

csq.2024.426092.1363/10.22034

©2025 / نویسندگان، دارندنده حق تألیف مقاله خود بدون محدودیت هستند. ناشر: دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم



۱. مقدمه

ابن عباس از افراد شاخص و سرآمدان حوزه تفسیر است که در زمینه‌های گوناگون این حوزه، از وی روایت نقل شده است. نقل گونه‌های مختلف روایت در شرح و توضیح آیات، نقل روایت در حوزه‌های گوناگون سنت تفسیر همچون روش‌ها، گرایش‌ها و مبانی تفسیری از این نمونه است و با توجه به اینکه وی ترجمان قرآن بوده، آراء منقول از وی در تمامی این حوزه‌ها حائز اهمیت است. یکی از مهم‌ترین گونه‌ها در این باره، فضائل اهل بیت علیهم‌السلام است.

به گواهی گزارش‌های تاریخی، ابن عباس از افرادی است که همواره مدافع و هم‌راستا با اهل بیت (ع) بوده است. این مطلب از طریق بررسی موضع‌گیری‌های سیاسی و روایات تفسیری منقول از وی استنباط می‌شود. اگرچه وی با خلیفه دوم همراهی داشته و در سفرهای متعدد ملازم او بوده؛ اما در عین حال در همین مصاحبت‌ها به ایرادها و اشکالاتی که عمر در ارتباط با خلافت مطرح نموده، در قالب مناظرات متعدد پاسخ داده که همه این موارد نشان از دفاع همه‌جانبه ابن عباس از حقانیت حضرت علی (ع) و ولایت ایشان است (رضایی اصفهانی و ریحانی نیا، ۱۳۹۸: ۵۰) در این باره روایات بسیاری از وی منقول است (ابن ابی الحدید، ۱۳۷۸: ۷۳/۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۱/۳۱؛ زرین‌کلاه، ۱۳۹۶: ۴۹-۴۴).

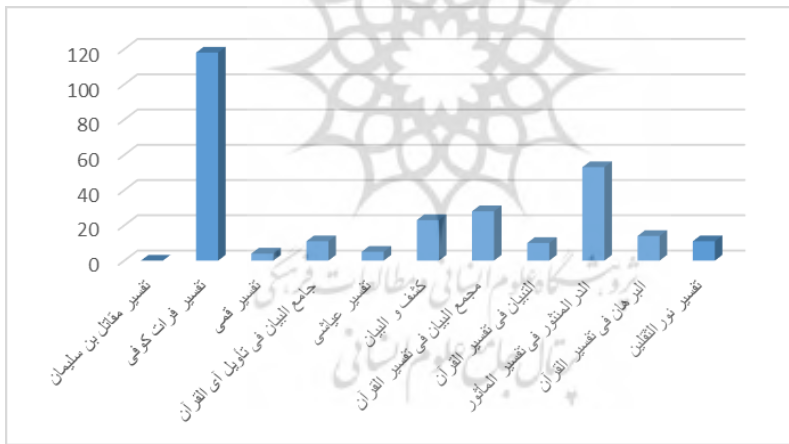
روایات تفسیری منقول از وی نیز از دو جهت ۱. میزان مطابقت با روایات تفسیری اهل بیت (ع)، ۲. نقل فضائل اهل بیت (ع) به ویژه حضرت علی (ع) توسط وی، می‌تواند ارزیابی شود. در خصوص ارزیابی میزان مطابقت روایات تفسیری وی با اهل بیت (ع) در پژوهشی مستقل از نگارنده معلوم گردید که حدود ۸۰٪ از روایات وی هم‌راستا با روایات تفسیری اهل بیت (ع) است (زرین‌کلاه، ۱۳۹۶: ۵۸)؛ اما ارزیابی روایات فضائل منقول از وی در تفاسیر روایی فریقین، مطلب مهمی است که تاکنون انجام نگرفته است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که رویکرد مفسران فریقین در نقل این‌گونه روایات، متفاوت است؛ لذا این پژوهش ضمن استخراج روایات وی در این زمینه و گونه‌شناسی آن‌ها به مقایسه رویکرد مفسران شیعه و اهل سنت در این باره پرداخته و بررسی می‌نماید آیا روایات منقول از وی در منابع مختلف، متفاوت نقل شده‌اند یا خیر. در صورت تفاوت، به تحلیل و ارزیابی آن می‌پردازد.

۲. آمار روایات فضائل منقول از ابن عباس در تفاسیر روایی

به منظور استخراج روایات منقول از ابن عباس در باب فضائل اهل بیت (ع)، برخی از تفاسیر روایی شیعه و اهل سنت مورد ارزیابی قرار گرفتند. تفسیر قمی،

کتاب التفسیر عیاشی و فرات کوفی از تفاسیر متقدم تر، تفسیر مجمع البیان و التبیان از تفاسیر متقدم و تفاسیر نورالثقلین و البرهان از جوامع تفسیر روایی متأخر شیعه و تفاسیر مقاتل بن سلیمان، صنعانی از میان تفاسیر متقدم، تفسیر جامع البیان از میان تفاسیر متقدم و الکشف و البیان و الدر المنثور از میان تفاسیر متأخر اهل سنت، تفاسیر منتخب در این خصوص هستند. گفتنی است اینکه در این پژوهش غالباً از جوامع روایی استفاده شده، به این دلیل است که بتوانیم جامعه آماری گسترده تری به دست بیاوریم.

در میان تفاسیر مورد بررسی، در تفسیر فرات کوفی ۱۱۸ روایت، الدر المنثور ۵۳ روایت، مجمع البیان ۲۸ روایت، الکشف و البیان ۲۳ روایت، البرهان ۱۴ روایت، جامع البیان و نورالثقلین هر کدام ۱۱ روایت، التبیان فی التفسیر القرآن ۱۰ روایت، تفسیر عیاشی ۵ روایت، تفسیر منسوب به علی بن ابراهیم قمی ۴ روایت، تفسیر صنعانی ۲ روایت و در تفسیر مقاتل بن سلیمان هیچ روایت فضایی از ابن عباس ذکر نشده است. به این ترتیب بیشترین تعداد روایات فضائل منقول از وی در تفسیر فرات کوفی و کمترین میزان در تفسیر صنعانی آمده است (نمودار ۱).



نمودار ۱: تعداد روایات فضائل منقول از ابن عباس در تفاسیر روایی فریقین

۳. موضع مفسران فریقین در نقل روایات فضائل منقول از ابن عباس

موضع مفسران فریقین در ارتباط با نقل روایات فضائل منقول از ابن عباس متفاوت است. در این خصوص مفسران شیعه و اهل سنت هر کدام به دودسته قابل تقسیم هستند.

در میان شیعه دسته‌ای همچون فرات کوفی، حویزی و بحرانی در جهت دفاع از اهل بیت (ع) و بیان ولایت ایشان به نقل فضائل پرداخته‌اند و دسته‌ای دیگر نیز با دنبال کردن رویکرد متفاوت، عموماً از نقل فضائل به صورت چشمگیر خودداری نموده‌اند. شیخ طوسی و طبرسی از این دسته افراد هستند. جای تعجب است در تفسیر التبیان و مجمع البیان با وجود نقل بالغ بر ۱۷۰۰ و ۲۷۰۰ روایت از ابن عباس (زرین‌کلاه، ۱۳۹۶: ۵۵) به ترتیب تنها ۱۰ و ۲۸ روایت از وی در زمینه فضائل آمده است. این عدد در مقایسه با تفاسیر روایی اهل سنت همچون الدرالمثور که حدود ۵۳ روایت نقل کرده‌اند، قابل تأمل است؛ اما بررسی بیش تر نشان داد که شیخ طوسی غالباً به نقل روایاتی پرداخته که به معنای ظاهری آیه اشاره دارند. طبرسی هم در این باره تقریباً مشابه وی عمل نموده است؛ از این رو در مجموع روایات فضائل در این دو تفسیر محدود است و به تبع آن روایات منقول از ابن عباس در باب فضائل هم کم خواهد بود. گفتنی است این تفاسیر نه تنها به ذکر فضائل اهتمام نورزیده‌اند، بلکه از نقل روایاتی که در مذمت و اشکال بر خلفا است، نیز دوری کرده‌اند. بر این اساس، می‌توان گفت این مسئله به ذهنیت ایشان نسبت به ابن عباس مربوط نمی‌شود بلکه متأثر از شرایط زمانی و رویکرد کلی ایشان (تقریب بین مذاهب و دوری از تفرقه) است (موسوی دره‌بیدی، ۱۴۰۱: ۳۶۰-۳۴۰).

در میان تفاسیر کهن شیعه نیز، تعداد روایات منقول در تفسیر عیاشی محدود است. شاید بتوان گفت علت کم بودن این گونه روایات در این تفسیر، از آن جهت است که وی غالباً به مباحث فقهی و آیات الاحکام پرداخته تا فضائل. در میان اهل سنت نیز این تقسیم‌بندی وجود دارد، به این صورت که دسته‌ای تا حد ممکن از ذکر فضائل خودداری نموده‌اند و دسته دیگر با انصاف بهتری نسبت به این مسئله برخورد نموده‌اند و روایات بیش تری نقل کرده‌اند؛ اما در عین حال از ذکر سایر روایات معارض، ممانعت نکرده‌اند.

تفسیر مقاتل بن سلیمان، عبدالرزاق صنعانی و جامع البیان طبری در دسته اول جای می‌گیرند. اگرچه در جامع البیان در این باره چند روایت از ابن عباس نقل شده؛ اما می‌توان این تفسیر را در این بخش جای داد؛ زیرا این عدد در مقایسه با بالغ بر شش هزار روایت منقول از ابن عباس با طرق گوناگون در آن (زرین‌کلاه، ۱۳۹۶: ۵۵) عدد بسیار کمی است و نشان از رویکرد طبری در کتمان فضائل اهل بیت (ع) دارد. وی با وجود اینکه ذیل برخی آیات شاخص در شأن و فضیلت اهل بیت (ع) روایات با طرق متعددی از ابن عباس آورده؛ اما اشاره‌ای به روایات منقول از وی در فضائل نکرده است. به عنوان مثال در ارتباط با آیه تطهیر و نزول آن در شأن

اهل بیت (ع) در برخی تفاسیر اهل سنت همچون الدرالمثور از ابن عباس روایت نقل شده؛ اما طبری هیچ اشاره‌ای به این روایت وی نداشته است (سیوطی، ۱۴۰۴: ۱۹۹/۵). نمونه دیگر در این باره ذیل آیه ۲۷ سوره بقره دیده می‌شود (همان: ۶۰/۱). البته وی نه تنها روایات منقول از ابن عباس در باب فضائل را ذکر نکرده بلکه روایات منقول از افرادی غیر از ابن عباس در این باره را نیز نیاورده است. در ارتباط با این نوع برخورد وی می‌توان این‌گونه بیان کرد که یا شرایط زمانه مانع از این شده که این‌گونه مسائل را مطرح ننماید یا اینکه وی نسبت به نقل فضائل اهل بیت (ع) با تعصب برخورد نموده و بنای بر حذف روایات را داشته است.

در خصوص دسته دوم هم می‌توان تفسیر الکشف و البیان ثعلبی را نام برد. به عنوان مثال ذیل آیه ۷ سوره رعد وی از ابن عباس نقل می‌کند که پیامبر (ص) در حضور بزرگان صحابه، علی (ع) را هادی امت پس از خود معرفی نمود، در عین حال ذیل آیه ۱ سوره نصر با نقل روایتی با این مضمون از ابن عباس از پدرش که پیامبر (ص) ابوبکر را به عنوان جانشین خود معرفی نموده و عباس بن عبدالمطلب و علی (ع) را به اینکه از وی حرف شنوی داشته باشند تا رستگار شوند و از او اطاعت کنند تا هدایت شوند، گفتاری متفاوت دارد. در ادامه هم بیان می‌کند: «فقدوا والله فرشدوا». جای تعجب است قبل از نقل این روایت، از طریق عکرمه از ابن عباس نقل می‌کند که پیامبر (ص) خطاب به حضرت علی (ع) با پیش بینی وقایع بعد از رحلت خود، به ماجرای شورا تصریح کرده و متذکر می‌شود هیچ‌کس جز تو به جهت تقدم در اسلام و قرابت با رسول خدا و همسری سیده نساء المؤمنین حضرت فاطمه (س)، مستحق تر به این امر نیست (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۳۲۲/۱۰)؛ از این رو اگرچه وی در میان مفسران اهل سنت روایات بیش تری در باب فضائل اهل بیت (ع) نقل کرده؛ اما این نوع نحوه تعامل نشان می‌دهد که گویی مفسر رویکرد خاصی در نقل روایت ابن عباس یا حتی روایات فضائل به طور کلی نداشته و هدفش نقل روایت تفسیری بدون بررسی صحت و سقم آن بوده است.

۴. شیوه نقل روایات فضائل منقول از ابن عباس

الف) از جهت شمول

از دیگر ابعاد بررسی روایات فضائل منقول از ابن عباس، گستره شمول آن است. به‌گونه‌ای که گاه فضیلت ذکر شده در قالب تمجید افراد دیگر مانند خلفا و سایر اصحاب بیان شده است. به عنوان مثال در جامع البیان (طبری، ۱۴۱۲: ۱۱۸/۴) در مراد از «الذین استجابوا» در آیه «الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ وَالرَّسُولِ مِنْ بَعْدِ مَا أَصَابَهُمُ الْقَرْحُ

لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا مِنْهُمْ وَاتَّقُوا أَجْرٌ عَظِيمٌ» (آل عمران/۱۷۷) خلفا و برخی صحابه را نیز نام برده است. در جای دیگر در الدر المنثور (سیوطی، ۱۴۰۴: ۳۰/۱) در مراد از «الناس» در آیه «أَمِنُوا كَمَا آمَنَ النَّاسُ...» (البقره/۱۳) همه خلفا را متذکر شده است. گاه نیز به صورت اختصاصی فضیلتی به اهل بیت (ع) نسبت داده شده و منحصر به ایشان است. بررسی‌ها نشان داد که روایات نوع اول، غالباً در منابع اهل سنت دیده می‌شود (کوفی، ۱۴۱۰: ۱۳۱، ۱۳۴، ۳۵۹، ۴۸۱؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۳۰/۱، ۸۳/۶، ۲۴۸/۶). همچنین این نتیجه نیز حاصل شد که قریب به اتفاق روایات منقول از ابن عباس در باب فضائل، به صورت دوم آمده است.^۱

ب) از جهت سند

سند روایات منقول از ابن عباس از جهت انتساب به آخرین گوینده به دودسته قابل تقسیم است: یک دسته روایاتی است که از خود ابن عباس نقل شده و دسته دیگر مواردی است که وی از پیامبر (ص) نقل می‌کند. این دودسته، هم در تفاسیر روایی شیعه و هم اهل سنت دیده می‌شود. طبق بررسی انجام شده، قریب به اتفاق روایات فضائل، شامل دسته اول است. به عنوان مثال فرات کوفی روایت نزول کرائم قرآن در مورد علی (ع) را با دو طریق یکسان و متن تقریباً متفاوت از ابن عباس و یک طریق دیگر به نقل ابن عباس از پیامبر (ص) آورده است. تفاوت در متون این دو روایت به گونه‌ای است که گویی یکی از این دو، برگرفته و تلخیص روایت دیگر است.^۲

۱. تمام مثال‌هایی که در بحث گونه‌های نقل روایات فضائل خواهد آمد، از این نمونه است.
 ۲. روایت اول: قَالَ حَدَّثَنَا فُرَاتٌ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُوسَى قَالَ حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ ثَابِتٍ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ شُعْبَةَ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنِ الْحَكَمِ بْنِ عَبْدِ عُبَيْسِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْهُ قَالَ: أَخَذَ النَّبِيُّ ص يَدَ عَلِيٍّ فَقَالَ إِنَّ الْقُرْآنَ أَرْبَعَةٌ [أَرْبَعٌ] أَرْبَاعٌ رُبْعٌ فِيمَا أَهْلَ الْبَيْتِ خَاصَّةً وَرُبْعٌ فِي أَعْدَائِنَا وَرُبْعٌ حَلَالٌ وَحَرَامٌ وَرُبْعٌ فَرَائِضٌ وَأَحْكَامٌ وَإِنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ فِي عَلِيٍّ كَرَائِمَ الْقُرْآنِ [مَا أَنْزَلَ فِي الْقُرْآنِ آيَةً يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِلَّا كَانَ عَلِيٌّ أَمِيرَهَا] (کوفی، ۱۴۱۰: ۴۷) روایت دوم: فُرَاتٌ قَالَ حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ مُوسَى [قَالَ حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ ثَابِتٍ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ شُعْبَةَ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنِ الْحَكَمِ] عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: أَخَذَ النَّبِيُّ ص يَدِي وَيَدَ عَلِيٍّ بِنِ أَبِي طَالِبٍ ع فَعَلَا بِنَا إِلَى ثَبْرِ ثُمَّ صَلَّى رُكْعَاتٍ ثُمَّ رَفَعَ يَدَيْهِ إِلَى السَّمَاءِ فَقَالَ اللَّهُمَّ إِنَّ مُوسَى بَنَ عِمْرَانَ سَأَلَكَ وَأَنَا مُحَمَّدٌ نَبِيُّكَ أَسْأَلُكَ أَنْ تَسْرَحَ لِي صَدْرِي وَتُبَسِّرَ لِي أَمْرِي وَتُحَلِّ عَقْدَةَ مِنْ لِسَانِي لِيَتَفَقَّهُوا قَوْلِي وَاجْعَلْ لِي وَزِيرًا مِنْ أَهْلِي عَلِيٌّ بِنَ أَبِي طَالِبٍ إِخِي. اشْدُدْ يَدَ أَرْوِي وَأَشْرِكْهُ فِي أَمْرِي قَالَ فَقَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ [رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ] سَمِعْتُ مُنَادِيًا يُنَادِي يَا أَحْمَدُ قَدْ أَوْتَيْتَ مَا سَأَلْتَ قَالَ فَقَالَ النَّبِيُّ ص لِعَلِيٍّ يَا أَيُّهَا الْحَسَنُ ارْفَعْ يَدَكَ إِلَى السَّمَاءِ فَادْعُ رَبَّكَ وَاسْأَلْهُ [وَأَسْأَلُ] لِيُعْطِكَ فَرَفَعَ [عَلِيٌّ] يَدَهُ إِلَى السَّمَاءِ وَهُوَ يَقُولُ اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي عِنْدَكَ عَهْدًا وَاجْعَلْ لِي عِنْدَكَ وَدًّا فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيَّ نَبِيَّهُ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ إِلَى آخِرِ آيَةِ قَتَلَهَا النَّبِيُّ عَلَى أَصْحَابِهِ فَتَعَجَّبُوا مِنْ ذَلِكَ عَجَبًا شَدِيدًا فَقَالَ النَّبِيُّ ص بِمَا تَعَجَّبُونَ إِنَّ الْقُرْآنَ أَرْبَعَةٌ أَرْبَاعٌ فَرُبْعٌ فِيمَا أَهْلَ الْبَيْتِ خَاصَّةً وَرُبْعٌ فِي أَعْدَائِنَا وَرُبْعٌ حَلَالٌ وَحَرَامٌ وَرُبْعٌ فَرَائِضٌ وَأَحْكَامٌ وَإِنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ فِي عَلِيٍّ كَرَائِمَ الْقُرْآنِ. (همان، ۴۸). روایت سوم: «وَقَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ قَالَ [النَّبِيُّ ص] إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَنْزَلَ فِي عَلِيٍّ كَرَائِمَ الْقُرْآنِ» (همان، ۴۶).

بررسی سند روایات دسته اول یعنی روایات فضائل منتهی به خود ابن عباس، نتایج متفاوتی را دست داد که البته این تفاوت‌ها از نگرش مؤلف تفسیر، در گزینش منبع و در نهایت روایت ناشی می‌شود. به این ترتیب که در تفسیر فرات کوفی، طریق کلبی از ابی صالح بیش‌ترین روایت فضائل را به خود اختصاص داده است.^۱ در تفسیر منسوب به قمی نیز از چهار روایت، یک روایت با این سند آمده است. در تفسیر عیاشی طریق عکرمه و سپس کلبی از ابی صالح به ترتیب بیش‌ترین روایات را به خود اختصاص داده است. در الدرالمثور نیز علاوه بر طریق مذکور، از سعید بن جبیر، مجاهد و ضحاک نیز روایت دیده می‌شود. طریق کلبی از ابی صالح در تفسیر الکشف و البیان نیز بیش‌ترین روایت را در برمی‌گیرد. در مجمع‌البیان نیز همین طریق و سپس سدی طرق غالب هستند. در نورالثقلین بیش‌ترین روایات از طریق سعید بن جبیر نقل شده است. علاوه بر این، طریق کلبی از ابی صالح هم در آن دیده می‌شود. در البرهان نیز طریق کلبی از ابی صالح بیش‌ترین روایت را به خود اختصاص داده است.

بر این اساس می‌توان گفت طریق کلبی از ابی صالح از ابن عباس مشترک میان تمام تفاسیر روایی در نقل روایات فضائل منقول از ابن عباس است. این نتیجه نشان می‌دهد که اولاً همه این تفاسیر به شکل مستقیم یا با واسطه از منبعی که این طریق را ذکر کرده، بهره برده‌اند. ثانیاً این طریق به ذکر روایات فضائل اختصاص دارد.

ج) از جهت خاستگاه و مصدر

از دیگر مواردی که در ارتباط با روایات فضائل منقول از ابن عباس در تفاسیر فریقین نیازمند بررسی است، مصادری است که مفسران در استخراج روایات به کار گرفته‌اند. در این باره نیز عملکرد متفاوتی مشاهده می‌شود، به نوعی که برخی بدون ذکر سند، به ذکر آخرین راوی بسنده کرده؛ اما مصدر نقل حدیث را بیان کرده‌اند. برخی دیگر سلسله سند را بیان کرده و اشاره‌ای به مصدر اصلی روایت نداشته‌اند. در عین حال برخی دیگر نیز نه تنها هیچ سندی ذکر نکرده‌اند بلکه

۱. اگرچه افرادی همچون ابن سعد (ابن سعد، بی تا: ۳۴۲/۶)، ابن خلکان (۱۹۷۰: ۳۰۹/۴)، ابن حجر عسقلانی (۱۴۰۴: ۱۸۰/۹) و ... کلبی را از استادان فن تفسیر و نسب‌شناسی دانسته‌اند، برخی دیگر همچون سیوطی طریق وی از ابوصالح از ابن عباس را سست‌ترین طریق می‌داند البته وی از برخی همچون ابن عدی در الکامل نقل می‌کند که کلبی احادیث صحیحی دارد، بویژه آنهایی که از طریق ابوصالح نقل کرده است. وی همچنین در ادامه متذکر می‌شود که کلبی به دانش تفسیر مشهور است و هیچ‌کس به گستردگی و بر محتوا بودن تفسیر وی تفسیری، تألیف نکرده است (سیوطی، ۱۴۲۱: ۲۳۹/۴).

مصدر را هم بیان نکرده‌اند.^۱

در ارتباط با دسته اول می‌توان تفسیر مجمع‌البیان را نام برد. بررسی خاستگاه و مصدر در این منبع، ما را به این نتیجه رساند که وی غالب روایات فضائل منقول از ابن عباس را از شواهد التنزیل حاکم حسکانی نقل کرده است. این مطلب از گفتار خود طبرسی مشهود است که در موارد متعدد از حاکم حسکانی روایت می‌کند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳۴۴/۳؛ ۶۵۱/۴؛ ۸۲۲/۴؛ ۱۸۶/۷ و...).

تفسیر فرات کوفی از نمونه تفاسیری است که می‌توان آن را در دسته دوم جای داد. طبق ارزیابی انجام‌شده، در بیش‌تر روایات منقول از ابن عباس در باب فضائل، یکی از مشایخ فرات به نام حسین بن حکم حبری صاحب تفسیر حبری دیده می‌شود؛ و جالب است که غالب روایات وی، از طریق کلبی - ابی صالح به ابن عباس می‌رسد. پس از وی به ترتیب جعفر بن محمد بن فرازی، حسین بن سعید کوفی اهوازی از اصحاب امام رضا (ع)، امام جواد (ع) و امام هادی (ع) و در ادامه احمد بن موسی، مشایخی هستند که فرات بیش‌ترین روایت را از آنان نقل کرده است.

الکشف و البیان نیز جز منابعی است که می‌توان آن را در دسته سوم جای داد؛ زیرا غالب روایاتی که در آن از ابن عباس در فضیلت اهل بیت (ع) آمده، بدون ذکر سند (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۸۳/۵؛ ۳۰۲/۸) و گاه با ذکر راوی آخر همچون ابی صالح، سعید بن جبیر و غیره است. لذا، نمی‌توان در ارتباط با آن به مصدر مشخصی دست یافت؛ اما با توجه به اینکه در مقدمه از تفسیر ابن عباس به عنوان یکی از منابع مورد استفاده خود نام برده (همان: ۷۵/۱) و از طریق مشایخ خود ۵ طریق تفسیری به وی را متذکر شده، شاید بتوان گفت این‌گونه روایات را از تفسیر وی برگرفته است. شایان ذکر است در مورد چند مورد محدودی که سند را ذکر کرده، نام ابو عبدالله حسین بن محمد بن فنجویه ثقفی دینوری (همان: ۳۱۴/۸؛ ۳۲۲/۱۰) و عبدالله بن محمد بن عبدالله دیده می‌شود (همان: ۱۰۸/۵؛ ۱۰۹/۹) که این افراد از مشایخ ثعلبی بوده‌اند.

سیوطی از جمله افرادی است که در این باره به خوبی عمل کرده است، اگرچه وی در اغلب موارد سند را ذکر نکرده، اما با بیان منبع اخذ حدیث، حدیث را از حالت ارسال خارج نموده است. از میان ۵۳ روایت مذکور از ابن عباس در باب فضائل اهل بیت (ع)، حجم قابل توجهی از روایات (۳۲ مورد) را از کتاب ابن مردویه نقل

سال نهم

شماره دوم

پیاپی: ۱۸

پاییز و زمستان

۱۴۰۳

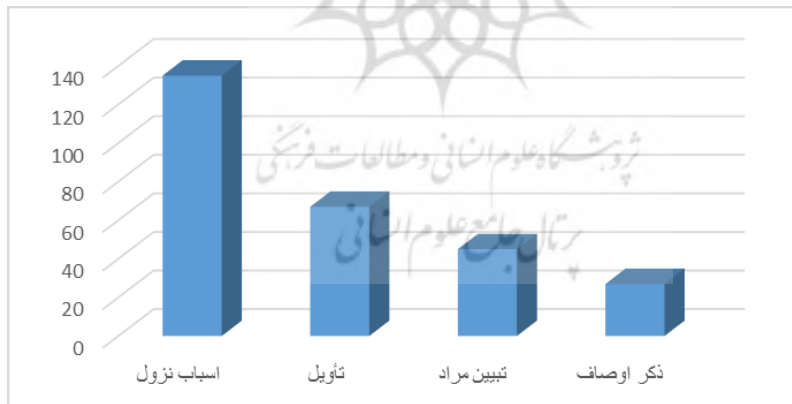
۱. دسته‌بندی بیان شده و ذکر نام برخی تفاسیر به صورت مطلق نخواهد بود؛ زیرا در برخی تفاسیر گاه سند هم به طور کامل آمده و گاه نیز همیشه مصدر روایی ذکر نشده است. لذا، آنچه بیان شده عملکرد غالب مفسر است.

کرده است. ۱۰ مورد طبرانی و ۸ مورد آن را از تاریخ دمشق ابن عساکر آورده است. البته روال وی به این صورت است که معمولاً برای اکثر روایات چندین مصدر ذکر می‌کند. لذا، علاوه بر مصادر مشهود فوق، شواهد التنزیل حاکم حسکانی، حلیة الاولیاء ابونعیم اصفهانی، دلائل بیهقی و غیره نیز دیده می‌شود. نورالثقلین تفسیر دیگری است که در این دسته جای می‌گیرد، وی غالب روایات فضائل منقول از ابن عباس را از کتب شیخ صدوق از جمله خصال (۶۸/۱؛ ۱۱۷؛ ۷۱۵؛ ۴۷/۲)، معانی الاخبار (۷۱/۱، ۲۶۴؛ ۱۸۵/۲)، علل الشرایع (۱۸۷/۲)، من لایحضره الفقیه (۳۳۷/۱)، کمال الدین و تمام النعمة (۳۹۵/۱)؛ امالی (۶۵۴/۱) و سپس مجمع البیان ذکر کرده است.

با توجه به آنچه که ذکر شد می‌توان گفت مصادر روایی مشهود در نقل روایات فضائل اهل بیت از طریق ابن عباس غالباً کتاب‌های شیخ صدوق، کتاب ابن مردویه و شواهد التنزیل حاکم حسکانی است.

۵. گونه‌های نقل روایات فضائل منقول از ابن عباس

بررسی روایات فضائل منقول از ابن عباس در تفاسیر فریقین نشان داد که این نوع فضائل معمولاً در قالب سبب نزول، تأویل، تبیین مراد و معنا و بیان اوصاف برتر و شاخص ایشان، نمود می‌یابد.



نمودار ۲: گونه‌های شاخص در روایات فضائل منقول از ابن عباس

الف) اسباب نزول

یکی از موارد نمود فضائل اهل بیت (ع) در روایات ابن عباس، اسباب نزول است، به‌گونه‌ای که سبب نزول آیه، در شأن اهل بیت (ع) به‌ویژه حضرت علی (ع) دانسته شده است. بررسی انجام‌شده در منابع مورد مطالعه این پژوهش نشان

داد که از مجموع ۲۷۷ روایت فضایل منقول از ابن عباس در منابع بررسی شده، ۱۳۵ مورد آن به بیان اسباب نزول اختصاص دارد. بررسی هر دودسته منابع (شیعی و اهل سنت) نشان داد که هر دودسته به بیان این نوع روایات توجه داشته و بسته به نوع بحث ذیل آیات مربوطه، آن را بیان کرده‌اند. بیان سبب نزول در این خصوص حالات مختلفی را شامل می‌شود:

ذکر سبب نزول به تفصیل: به عنوان مثال در مورد آیه «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُفٌ بِالْعِبَادِ» (البقره/۲۰۷) از ابن عباس نقل شده که این آیه در مورد علی بن ابی طالب (ع)، هنگامی که مشرکان تصمیم بر قتل پیامبر (ص) داشتند، نازل شد. وی در ادامه می‌گوید: «در آن شب پیامبر (ص) از مکه خارج و به سمت غار «ثور» رفت و حضرت علی (ع) در رختخواب ایشان خوابید. در این هنگام آیه مذکور بین مکه و مدینه نازل شد (طبرسی، ۱۳۷۲: ۵۳۷/۲، حویزی، ۱۴۱۵: ۲۰۵/۱). این روایت با تفاوت اندک و توضیح بیش تر در تفسیر عیاشی آمده است (عیاشی، ۱۳۸۰: ۱۰۱/۱). این در حالی است که سیوطی با نقل روایتی از طریق کلبی از ابن عباس نزول آیه را در مورد صهیب و تعدادی از اصحاب همچون عمار، یاسر، امیه، سمیه، ابویاسر، بلال و ... می‌داند که اهل مکه آنان را شکنجه می‌دادند که به شرک بازگردند، می‌داند (سیوطی، ۱۴۰۴: ۲۴۰/۱). در ارتباط با روایت دوم باید گفت با توجه به آنچه در روایات دیگر شبیه به این گفته آمده، صهیب و ... در ازای دادن مال، جان خود را خریدند و به مدینه بازگشتند. درحالی‌که واژه «شراء» در اینجا به معنای فروختن است و تنها با جان فشانی حضرت علی (ع) و خوابیدن در جایگاه پیامبر (ص) هم خوانی دارد (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۰۰/۲). ضمن اینکه غالب منابع همان روایت اول را از ابن عباس با طرق گوناگون نقل کرده‌اند. البرهان یکی از این منابع است، در این منبع (بحرانی، ۱۴۱۶: ۴۴۳/۱) با چهار طریق از ابن عباس این روایت را نقل شده است. از این رو می‌توان گفت روایت اول بر دیگری ترجیح دارد.

نمونه دیگر در خصوص سبب نزول آیه «فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ» (آل عمران/۶۷) است. روایات منقول از ابن عباس در منابع گوناگون فریقین (کوفی، ۱۴۱۰: ۸۹/۱؛ طبرسی، ۷۶۲/۱۳۷۲: ۲؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ۸۵/۳؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۳۹/۲؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ۶۳۸/۱)، نزول این آیه را در مورد ماجرای مباحله و اینکه پیامبر (ص) خانواده خود از جمله حضرت علی (ع) را برای این امر با خود بردند، می‌داند. این درحالی‌که است که در

منابع دیگر مانند جامع البیان طبری، التبیان شیخ طوسی و نورالثقلین حویزی به حدیث ابن عباس در این باره اشاره نشده است. شاید علت این باشد که این افراد به منبعی که حدیث ابن عباس در آن آمده دسترسی نداشته‌اند، این امر در مورد طبری می‌تواند صادق باشد، زیرا وی حدیث مذکور را از زید بن علی و سدی نقل کرده است (طبری، ۱۴۱۲: ۲۱۳/۳)؛ اما در ارتباط با افراد دیگر همچون حویزی با وجود دسترسی به منابعی از جمله مجمع البیان و بهره‌مندی از آن در نقل روایات، ممکن است علل دیگر همچون اجتهاد وی در انتخاب و گزینش روایات از منابع در دسترس باشد (مهدوی راد، ۱۳۸۸: ۲۶).

ذکر سبب نزول به اختصار: رویکرد دیگر تفاسیر فریقین در ذکر روایات منقول از ابن عباس در فضائل اهل بیت (ع) در قالب اسباب نزول، این است که گاه روایاتی از ابن عباس را متذکر شده‌اند که به صورت خلاصه آمده و غالباً از افرادی که آیه در مورد آن‌ها نازل شده، یاد می‌کند. غالب روایات اسباب نزول منقول از ابن عباس در فضیلت اهل بیت (ع)، به این بخش اختصاص دارد. در این خصوص موارد بسیاری را می‌توان مثال زد. به عنوان مثال ذیل آیه «هُمُ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ» (البینه/۷) از ابن عباس نقل شده که این آیه در مورد علی (ع) و خاندان او نازل شده است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۷۹۵/۱۰؛ کوفی، ۱۴۱۰: ۵۸۵/۱ به نقل از ضحاک؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۳۷۹/۶ به نقل از ابن عدی، بحرانی، ۱۴۱۶: ۷۲۲/۵).

نمونه دیگر ذیل آیه «وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا» (الانسان/۸) دیده می‌شود. برخی از تفاسیر سبب نزول را در شأن حضرت علی (ع) و فاطمه (س) می‌دانند (کوفی، ۱۴۱۰: ۵۲۹/۱؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۶۱۱/۱۰؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۲۹۹/۶). البته برخی دیگر هم به طور کامل ماجرای اطعام حضرت علی (ع) و حضرت فاطمه (س) به مسکین، یتیم و اسیر را از زبان ابن عباس ذکر کرده‌اند (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۹۹/۱۰؛ بحرانی، همان: ۵۴۹، ۵۵۲).

ذکر وقایع پس از سبب نزول: یکی از مواردی که به سبب نزول ارتباط می‌یابد، وقایع پس از نزول آیه است. در این خصوص نیز روایاتی از ابن عباس منقول است. یکی از این موارد ذیل آیه «وَآتِذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهٗ» (اسراء/۲۶) دیده می‌شود. سیوطی به نقل از ابن مردویه از ابن عباس نقل می‌کند زمانی که این آیه نازل شد، پیامبر (ص) فدک را به حضرت فاطمه (س) بخشید (سیوطی، ۱۴۰۴: ۱۷۷/۴).

نمونه دیگر ذیل آیه «وَأَتَّقُوا فَتْنَةَ لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» (انفال/۲۵) آمده است. در این باره طبرسی از ابن عباس نقل می‌کند که پیامبر (ص) پس از نزول این آیه فرمود، هرکس پس از وفات من به

علی (ع) ظلم کند، گویا نبوت من و انبیای پیشین را انکار کرده است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۸۲۲/۴؛ حویزی، ۱۴۱۵: ۱۴۳/۲؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ۶۶۷/۲).

آیه «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى...» (شوری/۲۳) موردی دیگر است که ذیل آن روایت ابن عباس در خصوص اتفاق پس از نزول آیه سخن گفته است. در این باره از وی منقول است زمانی که این آیه نازل شد، اصحاب از پیامبر (ص) سؤال کردند نزدیکان شما که خداوند مودت نسبت به آن‌ها را بر ما واجب کرده، چه کسانی هستند، ایشان فرمودند: «علی، فاطمه و فرزندان او». ایشان سه مرتبه این جمله را تکرار نمودند (کوفی، ۱۴۱۰: ۳۹۰-۳۸۸؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ۳۱۰/۸؛ حویزی، ۱۴۱۵: ۵۷۲/۴، ۵۷۴، ۵۷۶، ۵۷۸؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ۸۲۲/۴). در روایتی دیگر هم با همین مضمون از وی که بحرانی (همان: ۸۲۴/۴) به نقل از صحیح بخاری و مسلم آورده، از ابن عباس چنین نقل شده که وی مراد از «قربی» را آل محمد می‌داند.

البته در چند روایت دیگر منقول از ابن عباس، مراد از «قربی»، جمیع قریش دانسته شده است (طبری، ۱۴۱۲: ۱۵/۲۵ به نقل از شعبی؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ۳۱۰/۸). به‌گونه‌ای که در یک روایت زمانی که فردی از ابن عباس در مورد «القربی» سؤال می‌کند، سعید بن جبیر پیش قدمی کرده و می‌گوید: «منظور آل محمد است»، ابن عباس در پاسخ به او می‌گوید: «عجله کردی، زیرا هیچ تیره‌ای از تیره‌های قریش نیست، مگر آنکه پیامبر (ص) در بین آنان قرابتی دارد»، سعید بن جبیر در ادامه می‌گوید: «پس ما قبل از اینکه در تفسیر این آیه بحث کنیم، باید معنای لغوی قرابت را بفهمیم» (طبری، ۱۴۱۲: ۱۵/۲۵؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۷/۶-۵). حتی در یک روایت از ابن عباس نقل شده که این آیه به‌وسیله آیه «قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ إِنَّ أَجْرِي إِلَّا عَلَى اللَّهِ» نسخ شده است.

در رد این دسته روایات باید گفت اینکه مراد از قرابت، قرابت با قریش باشد، صحیح نیست؛ زیرا معنای اجر زمانی تمام می‌شود که درخواست‌کننده آن کاری کرده باشد و سودی رسانده باشد، آن وقت در ازای آن مزد طلب کند؛ از این رو اجر زمانی معنا دارد که پیامبر (ص) قریش را هدایت نموده و آن‌ها ایمان آورده باشند؛ زیرا بر فرض باقی ماندن آن‌ها در کفر و تکذیب دعوت پیامبر در واقع چیزی از پیامبر نگرفته‌اند تا در مقابلش اجری بدهند. بر این اساس، این معنا با سیاق آیه ناسازگار بوده و مراد از «قربی» همان اهل بیت پیامبر (ص) است؛ از این رو، روایت دیگر منقول از ابن عباس که آیه را منسوخ می‌داند، نیز صحیح نخواهد بود؛ زیرا مراد از واجب نمودن مودت اهل بیت و قرار دادن آن به عنوان اجر رسالت به

این دلیل بوده که آن را وسیله‌ای برای رجوع مردم و مرجعیت ایشان قرار گیرد، در نتیجه، این اجر چیزی ماورای خود رسالت و دعوت دینی و بقاء و دوام آن نیست؛ و مفاد این آیه مغایرتی با آیه «قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَيْهِ اللَّهُ...» نخواهد داشت که بخواهد ناسخ آن باشد (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۴۶/۱۸-۴۲).

ذکر مواردی که سبب نزول علاوه بر اهل بیت (ع)، افراد دیگر را هم شامل می‌شود: دسته دیگر نمود روایات فضائل منقول از ابن عباس در اسباب نزول، مواردی است که علاوه بر اهل بیت، افراد دیگر نیز شامل آیه می‌شوند. گفتنی است این که در برخی روایات ابن عباس، مانند روایات ذیل آیه تطهیر و آیه مباحله، آیه صرفاً در شأن اهل بیت (ع) دانسته شده، با روایات این بخش که علاوه بر اهل بیت (ع)، افراد دیگر را شامل می‌شود، منافات ندارد؛ زیرا در روایات دسته اول در واقع اهل بیت (ع) تنها مصداق منحصر به فرد آیه هستند و آیه تنها شامل حال آن‌ها می‌شود؛ اما در ارتباط با دسته دوم، اهل بیت (ع) مصداق اتم نزول آیه هستند؛ به همین سبب افراد دیگر هم می‌توانند در شمول آن وارد شوند.

به عنوان مثال در مورد آیه «أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ» (التوبه/۱۹) از ابن عباس چنین نقل شده که این آیه در مورد علی بن ابی طالب و عباس نازل شده است (سیوطی، ۱۴۰۴: ۲۱۸/۳ با دو سند به نقل از شعبی و ابن مردویه)؛ اما اینکه در برخی منابع همچون جامع البیان طبری (۱۴۱۲: ۶۷/۱۰؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ۱۹/۵ و ۲۰) که با دو سند متفاوت از طریق علی بن ابی طلحه، ابن سیرین و مره همدانی سبب نزول منقول از ابن عباس را در شأن عباس بن عبدالمطلب می‌دانند، نیز کلامی صحیح است؛ زیرا این روایات و سایر روایاتی که از افراد دیگر غیر از ابن عباس نقل شده و آن‌را در شأن عباس، علی (ع)، عثمان و شیبه می‌داند، همگی بیانگر این مطلب است که نزاع آن‌ها در افضل بودن سقایات و عمارت در مقابل ایمان و جهاد بوده است.

نمونه دیگر ذیل آیه «مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غُلٍّ...» (الحجر/۴۷) دیده می‌شود. بررسی منابع تفسیری فریقین نشان داد که تنها سیوطی (۱۴۰۴: ۱۰۱/۴) ذیل این آیه با دو طریق مجاهد و کلبی از ابی صالح از ابن عباس در باب فضائل روایت نقل کرده است. طریق اول بیانگر این است که آیه در شأن علی، طلحه و زبیر و طریق دیگری آن‌را در شأن «ابوبکر و عمر و عثمان و علی و طلحة و الزبیر و سعد و سعید و عبدالرحمن بن عوف و عبدالله بن مسعود» می‌داند.

نزول آیه «وَيَسِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» (البقره/۲۵) در مورد علی (ع)،

حمزه، جعفر و عبیده بن الحارث (فرات/۵۳؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ۱۵۷/۱) و آیه «قُلْ أُنَبِّئُكُمْ بِخَيْرٍ مِّنْ ذَلِكُمْ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا عِنْدَ رَبِّهِمْ» (آل عمران/۱۵) در مورد حضرت علی (ع)، حمزه بن عبدالمطلب و عبیده بن حارث (کوفی، ۱۴۱۰: ۷۷/۱؛ بحرانی، همان: ۶۰۲/۱) نمونه‌های دیگر در این زمینه است. گفتنی است هر دو روایت فوق را فقط فرات کوفی و بحرانی ذکر کرده‌اند و دیگر منابع تفسیری شیعی آن را بیان نکرده‌اند. حتی بحرانی هم آن را از منابع اهل سنت نقل می‌کند.

ب) تأویل (تعیین مصداق)

یکی دیگر از موارد نمود روایات منقول از ابن عباس در باب فضائل اهل بیت (ع)، بیان تأویل است. در این خصوص روایات بسیاری از ابن عباس در منابع تفسیر روایی فریقین مشاهده می‌شود. از مجموع موارد مورد بررسی در تفاسیر فریقین ۶۷ روایت به این مهم اختصاص دارد؛ که این مطلب علاوه بر نقل فضائل اهل بیت (ع) توسط ابن عباس، نشان‌دهنده جواز تأویل از منظر وی است. همچنین بررسی منابع تفسیری فریقین معلوم می‌دارد که ذکر این‌گونه روایات در تفاسیر شیعی به نسبت اهل سنت بیش‌تر است که طبیعتاً این مسئله با توجه به جایگاه تأویل و بطن در مکتب شیعه، امری بدیهی است.

به عنوان مثال واژه ایمان در آیه «وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ» (المائدة/۵) به حضرت علی (ع) (کوفی، ۱۴۱۰: ۱۲۱) تأویل شده است. این درحالی‌که است که طبری بدون ذکر تأویل مذکور از ابن عباس، به نقل از علی بن ابی طلحه از وی، ایمان را ریسمان محکمی می‌داند که عمل جز به آن پذیرفته نمی‌شود و بهشت جز بر کسی که آن را ترک کند، حرام نمی‌شود (طبری، ۱۴۱۲: ۷۰/۶). در جمع میان دو روایت می‌توان چنین گفت که یکی تأویل و بطن آیه را بیان کرده و دیگری به تفسیر و فهم ظاهری آن پرداخته است؛ از این رو هر دو روایت ابن عباس قابل قبول است.

تأویل واژه «هاد» در آیه «إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» (الرعد/۷) به امام علی (ع) (طبری، ۱۴۱۲: ۷۲/۱۳) به نقل از سعید بن جبیر؛ طبری، ۱۳۷۲: ۴۲۷/۶؛ طوسی، بی تا: ۲۳۳/۶؛ حویزی، ۱۴۱۵: ۴۸۲/۲؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ۲۳۲/۳؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ۲۷۲/۵) نمونه‌ای دیگر از این دست روایات است. البته در روایتی دیگر از ابن عباس (طوسی، بی تا: ۲۳۳/۶، ثعلبی، ۱۴۲۲: ۲۷۲/۵) «المنذر محمد و الهادی الله» مراد از هادی، خداوند دانسته شده است. این روایت منافاتی با روایت اول ندارد؛ زیرا می‌توان گفت هدایت‌گری حضرت علی (ع) در طول هادی بودن خداوند و منبعث از آن است. در روایتی دیگر از وی، مراد از هادی «داع» دانسته

شده است (طبری، ۱۴۱۲: ۷۲/۱۳، سیوطی، ۱۴۰۴: ۴۵/۴) که این نیز می‌تواند هم‌راستا با دو روایت فوق باشد به این صورت که روایت سوم به عنوان شرح و تفسیر در نظر گرفته شود و روایات دیگر تأویلی باشد. علاوه بر روایات مذکور، روایتی هم در الدر المنثور دیده می‌شود که سایر منابع آن را ذکر نکرده‌اند. این روایت چنین است: «المنذر والهادی علی بن ابی طالب رضی الله عنه». طبق این روایت، ابن عباس می‌گوید پیامبر (ص) فرمود: «منذر و هادی حضرت علی (ع) است» (سیوطی، همان).

تأویل واژه «الصادقین» در آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» (التوبه/۱۱۹) (کوفی، ۱۴۱۰: ۱۷۲/۱، ۱۷۴، طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۲۲/۵؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ۸۶۵/۲؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ۱۰۹/۵؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۲۹۰/۳)، «البحرین» به حضرت علی (ع) و حضرت فاطمه (س)، «البرزخ» به پیامبر (ص) و «لؤلؤ و مرجان» به امام حسن (ع) و امام حسین (ع) (کوفی، ۱۴۱۰: ۴۵۹/۱؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۱۴۲/۶؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ۲۳۵/۵) در آیات «مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ. فَيَأْتِي آلَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ. يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللَّؤْلُؤُ وَالْمَرْجَانُ» (الرحمن/۱۹)، «مؤمن» در آیه «أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا» (السجده/۱۸) به حضرت علی (ع) (کوفی، ۱۴۱۰: ۳۲۸/۱-۳۲۷؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ۴۰۰/۴-۳۹۷، سیوطی، ۱۴۰۴: ۱۷۷/۵) نمونه‌هایی دیگر در این زمینه هستند.

ج) تبیین مراد و معنا

از دیگر مواردی که در روایات فضائل منقول از ابن عباس در شأن اهل بیت (ع)، دیده می‌شود، تبیین مراد کلمات، عبارات و جملات مذکور در آیه است؛ به این صورت که در جریان تبیین مراد یک واژه یا عبارت به فضیلت و برتری اهل بیت (ع) هم تصریح می‌شود. از مجموع روایات مورد بررسی ۴۵ مورد شامل این بخش می‌گردد؛ به عنوان مثال در مراد از واژه «طوبی» در آیه «طُوبَى لَهُمْ وَحُسْنُ مَآبٍ» (الرعد/۲۹) از ابن عباس نقل شده که طوبی درختی است در بهشت که اصل آن در خانه حضرت علی (ع) و شاخه‌های آن در خانه مؤمنان است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۴۴۸/۶؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ۲۹۱/۵؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ۲۵۹/۳). در روایتی دیگر چنین آمده که پیامبر (ص) در وصف معراج فرمودند: «زمانی که وارد بهشت شدم درختی دیدم که هر برگ آن کل دنیا را می‌پوشاند... از جبرئیل در مورد آن سؤال کردم، گفت: آن درختی است که برای تو و افراد کثیری از امت توست، گفتم: اصل آن کجاست، گفت: در خانه علی (ع)» (کوفی، ۱۴۱۰: ۲۰۷/۱). در روایت دیگر گفته شده که اصل آن در خانه پیامبر (ص) و فرع آن در خانه علی (ع) است (همان: ۲۰۸/۱).

در جمع میان این روایات می‌توان از روایتی منقول از امام باقر (ع) که ثعلبی در الکشف و البیان آن را ذکر کرده است، بهره برد. در این روایت چنین آمده که از پیامبر (ص) در مورد «طوبی» سؤال شد، ایشان فرمودند: «طوبی درختی است در بهشت که اصل آن در خانه من و فرع آن در بهشت است» (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۲۹۱/۵) بار دیگر از ایشان در این باره سؤال شد، فرمودند: «درختی در بهشت که اصلش در خانه علی و فرع آن در خانه اهل بهشت است» (همان: ۲۹/۵). از پیامبر (ص) در مورد این گونه‌گونی در پاسخ سؤال شد، فرمودند: «خانه من و خانه علی (ع) در بهشت در مکانی واحد است» (همان: ۲۹/۵).

نمونه دیگر ذیل آیه «مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ» (الحشر/۷) در بیان مراد «ما» دیده می‌شود. در این خصوص از ابن عباس معنای «تبعیت و ولایت‌پذیری از حضرت علی (ع)» به عنوان ملاک هدایت‌پذیری و ورود به بهشت ذکر شده است (کوفی، ۱۴۱۰: ۴۷۳/۱).

د) ذکر اوصاف بیانگر برتری اهل بیت (ع)

یکی دیگر از گونه‌های ذکر فضائل در روایات ابن عباس، اشاره به صفت یا ویژگی است که منجر به برتری حضرت علی (ع) بر دیگران می‌شود. از مجموع روایات مورد ارزیابی ۲۷ روایت به این بخش اختصاص دارد. وجود چنین روایاتی از ابن عباس به این معناست که ابن عباس صفت یادشده را منحصر در ایشان می‌داند. برخی از این اوصاف چنین است:

کاتب صلح حدیبیه: در روایت منقول از ابن عباس ذیل آیه «وَهُوَ الَّذِي كَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنَّا كَمَا وَآيَدِيكُمُ عَنْهُمْ بَطْنِ مَكَّةَ مِنْ بَعْدِ أَنْ أَظْفَرَكُمُ عَلَيْهِمْ» (الفتح/۲۴) حضرت علی (ع) به عنوان کاتب صلح حدیبیه نامیده می‌شود (سیوطی، ۱۴۰۴: ۷۸/۶؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ۶۰/۹).

ذکر اسامی حضرت علی (ع) در قرآن: در روایتی دیگر ذیل آیه «فَأَذِّنْ مُؤَدِّنَ بَيْنَهُمْ» (الاعراف/۴۴) ابن عباس ضمن بیان این مطلب که برای علی (ع) در کتاب خدا اسمائی است که مردم نمی‌شناسند، متذکر می‌شود که مراد از «مؤدِّن» حضرت علی (ع) است. در واقع وی مؤدِّن را یکی از اسامی حضرت علی (ع) در قرآن می‌داند (کوفی، ۱۴۱۰: ۱۴۲/۱؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۶۵۱/۴؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ۵۴۶/۲). در این میان بررسی روایات مذکور در منابع اهل سنت، نتایج متفاوتی را نشان داد؛ به گونه‌ای که در اکثر منابع به این مهم حتی اشاره هم نشده است و از شرح و تفسیر این واژه صرف نظر کرده‌اند. تعداد محدودی همچون حاکم حسکانی (۲۶۹/۱: ۳۶۹) با رویکرد بی‌طرفانه تمامی روایاتی را ذکر کرده است که حضرت

علی (ع) را «مؤذن» می‌نامد. برخی دیگر نیز همچون فخر رازی بدون اشاره به روایت مورد نظر از ابن عباس، روایت دیگری از وی نقل می‌کند که در آن وی «مؤذن» را یکی از ملائکه و صاحب صور می‌داند (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۲۴۷/۱۴). با وجود اینکه حاکم حسکانی روایت اول را به صراحت از ابن عباس نقل کرده، آلوسی معتقد است (آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۲۳/۸) این روایت ابن عباس از طرف اهل سنت نقل نشده، وی در ادامه بیان می‌کند از مثل چنین امامی که در آن روز در حظیره‌های قدس جای دارد، خیلی بعید است که به محشر بیاید و چنین جمله‌ای را اعلام کند. در این میان صاحب المنار ضمن رد کلام آلوسی و تعدیل حاکم حسکانی در منابع رجالی اهل سنت، بیان می‌کند که اگر سند این گونه روایات را پذیرفتیم، ناگزیر باید مضمون آن را نیز بپذیریم. همچنین اینکه حضرت علی (ع) در آن روز در حظیره‌های قدس جای دارد، مانع از این نیست که مؤذن نیز باشد (رشید رضا، بی تا: ۴۲۶/۸). علامه طباطبایی نیز ضمن صحه گذاشتن به توضیحات صاحب المنار، بیان می‌کند حاکم حسکانی از کسانی است که روایاتش مورد پسند و در نقل حدیث، ضابط است. وی در ادامه ضمن ابراز تعجب از عمل سیوطی که معمولاً تمام روایات را در الدر المنثور ذکر می‌کند، می‌گوید مشخص نیست که سیوطی چرا از نقل چنین روایتی خودداری کرده است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۴۱/۸-۱۴۰).

نزول کرائم قرآن در شأن علی (ع): از ابن عباس نقل شده که خداوند کرائم قرآن را در مورد علی (ع) نازل کرده است (کوفی، ۱۴۱۰: ۴۶).

۶. نتیجه

بررسی روایات فضائل منقول از ابن عباس در منابع تفسیر روایی فریقین به موارد ذیل منتج شد.

۱. در میان تفاسیر روایی اهل سنت بیشترین روایت فضائل منقول از ابن عباس در الدر المنثور و در شیعه در تفسیر فرات کوفی آمده است.

۲. طریق مشترک میان تمام تفاسیر فریقین در نقل این گونه روایات، طریق کلبی از ابی صالح از ابن عباس است. اگرچه طرق دیگری هم ذکر شده، اما این طریق بیشترین روایات را به خود اختصاص داده است.

۳. در ارزیابی منبع و مصدر این گونه روایات، در منابع متقدم شیعی غالباً به مشایخ مفسر رسیدیم. به عنوان مثال منبع مورد استفاده فرات کوفی در این زمینه، تفسیر حبری (حسین بن حکم حبری) یکی از مشایخ وی است. در تفاسیر متأخرتر علاوه بر نقل از مشایخ، منابع متقدم‌تر همچون فرات کوفی، کتب شیخ

صدوق و شواهدالتنزیل حاکم حسکانی نمود بیش‌تری می‌یابد. همچنین در تفاسیر اهل سنت علاوه بر برخی مشایخ مفسران، کتاب‌های شواهدالتنزیل حاکم حسکانی و ابن مردویه بیش‌تر مشهود هستند.

۴. از جهت متن نیز فضائل منقول از ابن عباس در باب اهل بیت (ع)، غالباً در گونه‌های اسباب نزول، تأویل، بیان مراد و معنا، همچنین ذکر اوصاف شاخص ایشان نمود می‌یابد که در این میان بیش‌ترین تعداد روایت در قالب سبب نزول و پس آن تأویل آمده است.

۵. بی‌شک تعداد روایات فضائل منقول از ابن عباس در تفاسیر، متأثر از نوع نگاه مفسر و گرایش‌های تفسیری آن‌ها است. به‌گونه‌ای که عیاشی به دلیل گرایش به نقل روایات فقهی و آیات الاحکام، طبری به دلیل تعصب، شیخ طوسی و طبرسی به دلیل رویکردهای تقریبی کمتر به ذکر روایات فضائل که روایات ابن عباس هم بخشی از آن است، پرداخته‌اند. در این میان در تفاسیری همچون فرات کوفی به دلیل گرایش‌های کلامی و شرایط زمانه، ثعلبی و سیوطی با نگاه بی‌طرفانه، این نوع روایات نمود بیش‌تری دارد.

درعین حال، اگرچه تعداد روایات منقول از ابن عباس در باب فضائل در تفاسیر با رویکرد مفسر ارتباط مستقیم دارد، اما عدم نقل یا ذکر تعداد محدود این نوع روایات از ابن عباس در برخی از این تفاسیر، به معنای عدم نقل روایت از وی در این باره نیست و این امر به جایگاه و موضع خاص ابن عباس در این خصوص، آسیبی وارد نمی‌کند. لذا، ورای آمار و تحلیل آماری، وی به‌عنوان یکی از مشهورترین مفسران صحابه و ترجمان قرآن، همواره به این مهم توجه داشته و تأویل، تعیین مصداق، مراد و ... بسیاری از آیات قرآن را اهل بیت (ع) می‌داند.

منابع

قرآن کریم.

ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله (۱۳۷۸ ش): «شرح نهج البلاغه»، بیروت: دار احیاء الکتب العربیه.
ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (۱۴۰۴ ق): «تهذیب التهذیب»، بیروت: دارالفکر، چاپ اول.
ابن خلکان، احمد بن محمد (۱۹۷۰ م): «وفیات الاعیان و انباء ابناء الزمان»، بیروت: دار الثقافة.
ابن سعد، محمد (بی تا): «الطبقات الکبری»، بیروت: دار صادر.
الوسی، محمود (۱۴۱۵ ق): «روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی»، بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ اول.

بحرانی، سیدهاشم (۱۴۱۶ ق): «البرهان فی التفسیر القرآن»، تهران: بنیاد بعثت، چاپ اول.
ثعلبی نیشابوری، احمد بن ابراهیم (۱۴۲۲ ق): «الکشف و البیان عن تفسیر القرآن»، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ اول.

حاکم حسکانی، عبیدالله بن عبدالله (۱۳۶۹ ش): «شواهد التنزیل لقواعد التفضیل فی الآیات النازلہ فی اهل البيت (ع)»، قم: مجمع احیاء الثقافة الاسلامیه، چاپ اول.

حویزی، عبدعلی بن جمعه (۱۴۱۵ ق): «تفسیر نورالثقلین»، قم: انتشارات اسماعیلیان، چاپ چهارم.
رشیدرضا، محمد (بی تا)، «تفسیر القرآن العظیم»، بیروت: دارالمعرفة، چاپ دوم.
زرین کلاه، الهام (۱۳۹۶ ش): «تحلیل روایات تفسیری متعارض ابن عباس با استناد به روایات اهل بیت (ع) با تأکید بر جامع البیان و نورالثقلین»، رساله دکتری، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.

رضایی اصفهانی، محمدعلی و ریحانی نیا، محمدعلی (۱۳۹۸): «نقد مدخل «علی بن ابی طالب» در دائرة المعارف البورلیمین»، قرآن پژوهی خاورشناسان ۱۴، (۲۷)، صص ۴۷-۵۹.
سیوطی، جلال الدین (۱۴۰۴ ق): «الدر المنثور فی تفسیر المأثور»، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی.

سیوطی، جلال الدین، (۱۴۲۱ ق): «الاتقان فی علوم القرآن»، دارالکتب العربی.
طباطبایی، محمدحسین (۱۴۱۷ ق): «المیزان فی تفسیر القرآن»، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، چاپ چهاردهم.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ ش): «مجمع البیان فی تفسیر القرآن»، تهران: انتشارات ناصرخسرو، چاپ سوم.

طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ ق): «جامع البیان فی تفسیر القرآن»، بیروت: دارالمعرفة، چاپ اول.
طوسی، محمد بن حسن (بی تا): «التبیین فی تفسیر القرآن»، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ ش): «کتاب التفسیر»، تحقیق: هاشم رسولی محلاتی، تهران: چاپخانه علمیه.

فخررازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ ق): «مفاتیح الغیب»، بیروت: داراحیاء التراث العربی، چاپ سوم.
قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۷ ش): «تفسیر قمی»، قم: دارالکتاب، چاپ چهارم.
کوفی، فرات بن ابراهیم (۱۴۱۰ ق): «تفسیر فرات الکوفی»، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول.

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ ق): «بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الأطهار»، بیروت: مؤسسه الوفاء.
موسوی دره بیدی، سیدحسین، احمدنژاد امیر (۱۴۰۱ ش): «بررسی رویکرد تقریبی دو تفسیر التبیان و مجمع البیان در نقل روایات اهل بیت (ع)»، دوفصلنامه پژوهش های تفسیر تطبیقی، شماره ۱۵، صص ۳۶۴-۳۳۷.

مهدوی راد، محمدعلی، عباس مصلاهی، حمیدرضا فهیمی تبار (۱۳۸۸ ش): «اجتهاد در تفسیر روایی نورالثقلین»، دوفصلنامه حدیث پژوهی، سال اول، شماره اول، صص ۴۴-۲۲.

References

- The Holy Quran
- Ibn Abi al-Hadid, Abdul Hamid ibn Hibatullah (1378 SH): "Sharh Nahj al-Balagha", Beirut: Dar Ihya' al-Kutub al-Arabiyyah.
- Ibn Hajar al-Asqalani, Ahmad ibn Ali (1404 AH): "Tahdhib al-Tahdhib", Beirut: Dar al-Fikr, 1st ed.
- Ibn Kholakan, Ahmad ibn Muhammad (1970 AD): "Wafiyat al-A'yan wa Anba' Abna' al-Zaman", Beirut: Dar al-Thaqafah.
- Ibn Sa'd, Muhammad (n.d.): "Al-Tabaqat al-Kubra", Beirut: Dar Sader.
- Alousi, Mahmoud (1415 AH): "Ruh al-Ma'ani fi Tafsir al-Quran al-Azim wa al-Sab' al-Mathani", Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, 1st ed.
- Bahrani, Seyyed Hashim (1416 AH): "Al-Burhan fi Tafsir al-Quran", Tehran: Bonyad Ba'ithat, 1st ed.
- Tha'labi Nishaburi, Ahmad ibn Ibrahim (1422 AH): "Al-Kashf wa al-Bayan 'an Tafsir al-Quran", Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-Arabi, 1st ed.
- Hakim Hasakani, Ubaidullah ibn Abdullah (1369 SH): "Shawahid al-Tanzil li-Qawa'id al-Tafdeel fi al-Ayat al-Nazilah fi Ahl al-Bayt (AS)", Qom: Majma' Ihya' al-Thaqafah al-Islamiyyah, 1st ed.
- Howaizi, Abd Ali ibn Jum'ah (1415 AH): "Tafsir Nur al-Thaqalayn", Qom: Ismailian Publications, 4th ed.
- Rashid Reza, Muhammad (n.d.): "Tafsir al-Quran al-Azim", Beirut: Dar al-Ma'rifah, 2nd ed.
- Zarrin-Kolah, Elham (1396 SH): "Analysis of Contradictory Interpretative Narrations of Ibn Abbas Based on the Narrations of Ahl al-Bayt (AS) with Emphasis on Jami' al-Bayan and Nur al-Thaqalayn, PhD Thesis", Tehran: Tarbiat Modares University.
- Rezaei Isfahani, Muhammad Ali and Reyhani Nia, Muhammad Ali (1398 SH): "Critique of the Entry 'Ali ibn Abi Talib' in the Encyclopedia of the Yoreliman", Quranic Studies of Orientalists, 14(27), pp. 47-59.
- Suyuti, Jalal al-Din (1404 AH): "Al-Durr al-Manthur fi Tafsir al-Ma'thur", Qom: Aytollah Mar'ashi Library.
- Suyuti, Jalal al-Din (1421 AH): "Al-Itqan fi Ulum al-Quran", Dar al-Kutub al-Arabi.
- Tabatabai, Muhammad Hossein (1417 AH): "Al-Mizan fi Tafsir al-Quran", Qom: Islamic Publications Office of the Society of Teachers of the Hawzah, 14th ed.
- Tabarsi, Fadl ibn Hasan (1372 SH): "Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Quran", Tehran: Nasir Khusraw Publications, 3rd ed.
- Tabari, Muhammad ibn Jarir (1412 AH): "Jami' al-Bayan fi Tafsir al-Quran", Beirut: Dar al-Ma'rifah, 1st ed.
- Tusi, Muhammad ibn Hasan (n.d.): "Al-Tibyan fi Tafsir al-Quran", Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-Arabi.
- Ayashi, Muhammad ibn Mas'ud (1380 SH): "Kitab al-Tafsir, edited by Hashem Rasouli Mahallati", Tehran: Alimiah Printing House.
- Fakhr Razi, Muhammad ibn Umar (1420 AH): "Mafatih al-Ghayb", Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-Arabi, 3rd ed.
- Qommi, Ali ibn Ibrahim (1367 SH): "Tafsir Qummi", Qom: Dar al-Kitab, 4th ed.
- Kufi, Farat ibn Ibrahim (1410 AH): "Tafsir Farat al-Kufi", Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance, 1st ed.
- Majlisi, Muhammad Baqir (1403 AH): "Bihar al-Anwar al-Jami'a li-Durar Akhbar al-A'imma al-A'ṭhar", Beirut: Maktabat al-Wafa.
- Mousavi Darebidi, Seyyed Hossein, Ahmadnejad, Amir (1401 SH): "A Comparative Study of the Approaches of Tafsir al-Tibyan and Majma' al-Bayan in Transmitting the Narrations of Ahl al-Bayt (AS)", Journal of Comparative Tafsir Studies, No. 15, pp. 337-364.
- Mahdavi Rad, Muhammad Ali, Mosalaci, Abbas, Hamid Reza Fahimi Tabar (1388 SH): "Ijtihad in the Narrative Interpretation of Nur al-Thaqalayn", Journal of Hadith Studies, Year 1, No. 1, pp. 22-44.